

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۱/۰۱/۱۱

از گردانندگان پور تال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" که با درک مشخص انسانی، اخلاقی، اجتماعی و انقلابی از اوضاع و احوال در هم و برهم کشور ما در چنین شرایطی زمینه گفتار آزاد را مهیا ساخته اند تا فریاد های خاموشانه ملیونها انسان سر زمین ما که قربانی اهداف شوم "رفقای" خلقی و پر چمی و دین پروران مرتجع و دلالان خدا پرستی و دین فروشی به نفع ارتجاع شده اند، با ناله های مظلومان و بی پناهان هموطن ما توأم شده در سراسر دنیا انعکاس یابد قلبا سیاسیگذار بوده و عملکرد شان درین راستا مرا و ادار به احترام و سر فرو آوردن به عنوان احترام می نماید.

دوستان عزیز!

نمی توانم کلمات و یا جملاتی را پیدا نمایم تا ازین نوع پرستی و انسانیت انقلابی شما در راستای بیداری مردمان مظلوم هموطن خود اظهار سپاس نمایم . فقط می گویم درود و درود انسانی و بی الایش به شما. موفق باشید

خرافات مقدس

چندی قبل چند سطری پیرامون موجودیت شیطان و ملائکه به ارتباط تشریح قرآن در همین سایت وزین "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نوشته بودم تا باشد ورق دیگری از خرافات دینی و مذهبی را واضح و روشنتر به تحلیل گیریم. چون به باور بنده در تحکیم پایه های سیاسی استعمار جهانی، نقش ادیان و مذاهب و خرافاتی که به مردم در چوکات های مقدس پیشکش میدارند و پایه های ظلم و بی عدالتی اجتماعی را به نفع قدرت مندان استثمار کننده و به ضرر جامعه بشری محکم ساخته و از توده های زحمت کش و کار کن موجودات جبون و ترسو، فاقد عملکرد مردمی و انقلابی، مردمان صبور که در مقابل تمام اعمال زور گویان باید صبر کنند تا در آن دنیا به بهشت روند، میسازد تا از خدای استعمار، رسول آن و دولت های اسلامی پیروی نمایند.

باور هایم که در جریان سیر زندگی من سالها طول کشیده و بر گرفته از حقیقت های تلخ اجتماعی و مظالم پی در پی دین و خرافات مذهبی میباشد با دید مشخص و نگاه انسانی به تاریخ بشریت به عقایدی پیرامون عدالت خدائی در کره زمین تبدیل به طرز دیدی گردیده است که از طرح آن توقع روشن شدن موضوعات مهم اجتماعی است . چون هر کس با بر خورد عقلی خود با پدیده ها و واقعات اطرافش را سنجش و روی معیار های مشخص خود از آن

نتیجه گیری و آنرا عملی میسازد. در بر خورد به ادیان و عقاید خرافاتی که به نام مفکوره های مقدس خداوندی در جامعه، روی افراد آن به شکل یک جانبه تطبیق میشود به وضاحت دیده میشود که ادیان به نفع کی تبلیغات و باعث اسارت کی ها میشود. ازینرو منحصیث یک جوینده حقایق و روشنگر حقیقت پسمانی ملت ها مخصوصا ملت افغان، در پیروی از علم تا آنجا که توان داشته باشم همه را به تحلیل گرفته و از هیچ گونه افشاء گری خرافات دینی و دست آوردهای جاهلانۀ آن دریغ نخواهم کرد تا باشد سهمی را در راستای روشنگری مردم ادا و وجدانم را راحت نمایم.

چیز های که "خرافات مقدس" اسمش را باید گذاشت، یکی اینکه مقوله خدا پرستی است و اینکه این خدائی که دین اسلام به ما معرفی میدارد و توسط کتابهایش از موجودیت او صحبت میدارند بسیار خدای هوش پرک و نا به سامان است. گاهی قوی و گاهی مثل پیره زنها بندگان خود را دعای بد مینماید (آیت ۱ سوره لهب: ابوالهب نابود باد و دو دستش که سنگ می افکند قطع گردد.) حال که چنین است که خدا خودش عاجز شده و مخلوق خود را دعای بد مینماید وای به حال مسلمین که به چنین خدای عاجز و بیچاره پناه میبرند و همچنان برای فهماندن قصه هائی از پیامبران گذشته می پردازد و هم به زیتون و شب و غیره و غیره قسم میخورد و گاهی هم به دفاع از پیامبرانش در سرزدن و کشتار دیگر اندیشان فرشته های مسلح می فرستد و هم بعضی مواقع به محمد پیامبر آخرینش هدایت همخوابگی با زناش میدهد؟ من همه اینها را خرافات میدانم و البته قبلا پیرامون اسلام و نوع عملکرد هایش در جهان مخصوصا کشور خود ما چند سطر نویسته ام و دلایل خلق شدن موجودات بی تاثیر به نام فرشته، ملائکه، جن، شیطان و غیره را تا اندازه توان تشریح و تبصره نموده ام و درین راه به پیش خواهم رفت تا پرده از روی طرح های خصمانه دین اسلام علیه تکامل علوم و استعداد های بشری برداشته شده حق زن در اسلام، بندگی و غلامی در اسلام، سنگسار در اسلام، کشتار بیرحمانه انسانهای غیر مسلمان به دست جانیان عربی و قصه های واقعا مزخرف سلیمان پیامبر که با حیوانات و پرندگان صحبت میکرد و داستان عشق بازی هایش را با ملکه سبا حکمروای یمن و داستان یوسف و زلیخا را که به شکل افسانه زمستانی تشریح شده و یاجوج ماجوج، الله که اسم بت بود و انجیل لوقا، انجیل متی، تجاوز اسلام به حریم و قصبات مردم یهودی غرض گرفتن غنایم و زندهای آنها را به اسارت گرفتن، پل صراط، تورات، جزیه گرفتن اسلام، جهاد، ذوالقرنین، عایشه خانم دلخواه محمد، قیامت، مسجدالاقصا، طوفان نوح، معراج خیالی محمد، الت تناسلی خداوند، دوزخ و بهشت الله، آفریدن دجال و مهیب تر از همه عمل وقیح و جنایت کارانه قصاص و ده ها نوع خرافه گوئی قرآن را بی پرده به تحریر کشم تا اگر فردی که فقط مسلمان است و در خانواده مسلمان تولد یافته و بعدا مغز شان هدف تیر های نا مرئی ملا و ملا نما های وطنی و خارجی قرار گرفته دیگر چیزی از اسلام نمیدانند، ایمان به کتابی دارند که یک حرف آنرا نمی فهمند و از معانی آن عاجز اند و فقط این نیمچه ملا های لنگی دار و یا هم نکثائی دار است که مطابق میل خود و باداران خود با در نظر داشت منفعت مادی خود فرمانها و هدایاتی به خورد آن نوع مسلمان ها میدهند، من میگویم که هر که میخواهد مسلمان باشد فرقی ندارد میلیون ها مردم به این خرافات عقیده دارند اما عقل حکم مینماید اگر به کتابی، به دینی میخواهی گرویده باشی و از آن پیروی نمائی حد اقل باید بدانی آن دین و مذهب چه میگوید و طرح آن در قبال موضوعات انسانی و اجتماعی چیست؟ کتاب آن دین چه میگوید؟ متن آن چیست؟ و از چه چیز هائی صحبت می دارد؟ بعد از فهمیدن اگر عقلت، علم و دانشت اجازه داد میتوانی پیرو آن دین و کتاب باشی، باش.

فرقی نخواهد داشت، داشتن عقیده و مفکوره از نگاه انسانی از نظر من حق هر انسان است، نه زور و جبر و هدایت که مجبور هستی طوری فکر نمائی و عمل کردت را عیار نمایی که من به نمایندگی خدا میگویم؟

فقط باید بدانی که با انکشاف علم و بالا رفتن فهم بشر دین و مذهب و خرافات مطروح از بین خواهد رفت و بشریت بدون دین و مذهب به تمدنی خواهد رسید که من و تو تا حال نتوانستیم برسیم فقط به خاطر خرافه پرستی دینی و مذهبی .

حال می پردازیم به بر رسی (شیطان خبیث) نوشته دانشمند محترم سعید افغانی که پیرامون موجودیت شیطان تشریحات قرآنی داده اند و یا اینکه به ارتباط نوشته قبلی من به نام (شیطان، ملک و فرشته) فقط خواسته اند در باره شیطان یا ابلیس چیزی بنویسند و دلایلی بر موجودیت ابلیس از روی متن قرآن ذکر نمایند. به هر صورت جناب شان بعد از اینکه موجودیت شیطان را مستند به آیات قرآن بیان داشته اند صفات منفی آنرا و رول داشتن در سوسه های انسانی و مختصری هم در باره توالد و تناسل شیطان بدون اینکه در نوشته شان دلیلی بر **ضرورت موجودیت شیطان** گفته باشند فقط به آیات قرآن استناد و شرح داده اند که باور آن سخت به نظر میرسد چون در قرآن گفته شده که شیطان از جنس فرشته یا ملک است و **فرشته و ملک توالد و تناسل ندارند**. حال این مسأله باید روشن شود که وقتی که **خدا شیطان را راند آیا جنسیت او را هم تغییر داد تا باشد که اولاد بیاورد؟** یا نه؟ و هم چنان فهمیده نشد این شیطان یا ابلیس اولی که باید خدا او را تغییر جنسیت داده مؤنث است یا مذکر؟ در هر دو صورت طرف مقابل آنرا از چی آفرید؟ همچنان دانشمند محترم اگر توضیح بدارند که چرا در سوره ابراهیم آیت ۲۲ قرآن از زبان شیطان صحبت میکند؟ شکل نفوذ شیطان در مغز و یا قلب انسان چه شکلی است؟ آیا شیطان در مغز انسان نفوذ دارد و انسان را به کجراه میبرد؟ آیا این شیطان یا شیاطین با غیر مسلمان یعنی با عیسوی ها و یهودی ها هم سرو کار دارند یا نه؟ در سوره نساء آیت ۷۶ گفته میشود که : شیطان حیلہ گر و مکار است ولی کید و حیلہ او ضعیف است. به ارتباط این مسأله مکر و حیلہ شیطان باید به **آیت ۵۳ سوره آل عمران توجه نمود که میفرماید:**

یهود با خدا مکر کرد و خدا هم در مقابل با آنها مکر کرد و خداوند بهتر از همه کس میتواند مکر کند.

که میتوان با جرأت این را یک وجه مشترک شیطان و خدا دانست . و قتیکه حیلہ او ضعیف است باید نتواند انسان ها را گمراه نماید. و اینکه در سوره ملک آیت ۵ میگوید :

ما آسمان نزدیک را با چراغ هائی (بنام ستارگان) زینت دادیم و آنها را تیر های برای شیاطین کردیم؟ یعنی چی؟ **مگر خداوند مورد حملات شیاطین هم قرار میگیرد؟** و خداوند به سپاه و لشکر و آلات و اسباب جنگی هم ضرورت دارد؟

چون در قرآن ذکر شده که جن موجود جدا از فرشته است و فرشتگان و ملائک چیز دیگری است اما درباره شیطان در قرآن تضادی در ساختمان فیزیکی و جسمی او میباشد مثلا آیت ۵۰ سوره کهف :

و ای رسول به یاد آور زمانی را که به فرشتگان فرمان دادیم بر آدم سجده کنند و کلیه آنها سر به سجده فرو آوردند به جز شیطان که از **جنس جن** بود و به این جهت از حکم خدایش سر پیچید ... و در آیت ۳۴ سوره بقره :

و ای رسول به یاد آور زمانی را که به **فرشتگان** فرمان دادیم بر آدم سجده کنند و کلیه آنها سر به سجده بردند به جز **شیطان** که خود داری و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید. **اینجا واضحا در آیت ۵۰ سوره کهف شیطان به صورت واضح و صریح از نوع جن شمرده شده ولی در آیت ۳۴ سوره بقره شیطان یکی از فرشتگان گفته شده است .** فهمیده نمیشود از چه جنسی؟ چون نظر به ده ها آیت قرآنی فرشته و اجنه فرق کلی دارند اینکه شیطان از کدام نسل است باید واضح شود و یا اینکه اشتباه محمد بوده است.

حال ببینیم نقش خدا را در گمراهی بندگان آیت ۱۴۳ سوره نساء حاکیست :

دو دل و مردد باشند نه به سوی مومنان یکدل میروند و نه به جانب کافران و هر کی را **خدا گمراه کند پس هر گز او**

را به راه راست نخواهی یافت. آیت ۵۱ سوره توبه :

بگو هرگز جز آنچه خدا خواسته است به ما نخواهد رسید آیت ۴ سوره ابراهیم :

خداوند هر کی را بخواهد گمراه و هر که را اراده کند هدایت خواهد کرد و مهم تر از همه آیت ۳۰ سوره دهر است که میگوید :

شما نمی خواهید چیزی جز آنچه خدا بخواهد.... آیات ۲۳ و ۲۴ سوره کهف : هر گز مگو من این کار را فردا خواهم کرد مگر آنکه بگویی اگر خدا بخواهد اکنون باید دید که مسبب اصلی کشاندن انسانها به طرف بدی و گناه کیست ؟ خدا یا شیطان ؟ باید یکی از آنها باشد نه هر دوی شان. با در نظر داشت اینکه هیچ چیز بدون خواست خدا صورت نمی گیرد و نظر به گفته خود قرآن خداوند خیلی مکار است و مکاری شیطان ضعیف است پس باید قبول کرد که این خدا است که بشر را به گمراهی از روز ازل سوق و سرنوشتش را تعیین نموده نه شیطان؟ چون در آن صورت باید به دو موجود قادر و تعیین کننده اعمال و سرنوشت انسانها اعتقاد داشت و این همان دو خدائی و یا چند خدائی انسانهای اولی خواهد بود.

این نظریه خلاف ادیان ابراهیمی است و در ادیان ابراهیمی ولو هر چرندیاتس که از زبان خدا میگویند و به خدا تهمت می بندند باید پابند بود . در آیات ۳۶ تا ۴۰ سوره حجر از صحبت خداوند با شیطان تشریحاتی داده شده مثل گله های دوستانه که چنین کردی و من چنین میکنم . که این نوشته ها از خدائی که او تمام کائنات را (به گفته قرآن و مسلمان زده ها) خلق کرده و آسمان را بر دو دست نگاه داشته است تا بر روی من و تو نیفتد چنین صحبت هائی دور از شان او میباشد مخصوصا اینکه صاحب عرش و خادمان و تسبیح گویانی هم است . همچنان در چند آیت از زبان شیطان که در روز قیامت که هنوز نیامده است نوشته شده که شیطان چنین خواهد گفت و چنان؟؟؟ جای بس تعجب است. ببینید اینجا تعیین شده است همه چیز حتی گفتار شیطان در روز قیامت. ازین خرافاتی که به نام دین متکامل آنرا یاد میکنند و بعضی اسلام زده ها آنرا دین برادری و برابری هم میخوانند. چیزی انسانی نمیتوان درست کرد خلاصه ازین چرندیات بی محتوا و حرف های بی ربط خواسته اند من و تو را در پنجال این خرافات به نفع استعمار جهانی و به خاطر بهره کشی من و تو را به زنجیر بسته و مانع تکامل بشریت شوند. این طرز تفکر ۱۴۰۰ سال است چشم های ما را بسته و هر کز هم به خود زحمت نداده ایم تا باید بدانیم که این همه عبادت که به عربی نموده ایم چه مفهوم دارد ؟

کتابی که در خانه خود نگاه داشته و معمولا اضافه تر از چند پوش دارد چیست و چه میگوید؟ و چرا به میان آمده است ؟ و چرا این ملا های سابقه و بیسواد ما و این باسواد های ما زیاد تر زحمت میکشند تا ما به این همه مزخرفات مقدس پابند باشیم ؟ چرا نمیخواهند ذهن ما روشن و خود ما در روشنی علم و تجربیات زندگی با آموزش از تاریخ بشری راه خود را انتخاب نمائیم ؟ مگر این همه ملا و مفکر اسلامی مسؤؤل گناهان ما بوده و جواب ده میباشند ؟ اگر آقای محترم سعیدی که مرکز پژوهشی هم دارند و امکانات خیلی چیزها برای شان مساعد است و یا دیگر عرب اندیشان و اسلام زده ها اگر درین موارد چیزی داشته باشند لطفا آشکارا تشریح دارند چون مطلب فقط روشنگری هموطنان در بند اسارت اسلامی است تا مطلع باشند چه چیزی و چه چیزی به حق است.

هموطنان عزیز و مهر بان!

قلب پاک و بی الایش تان صداقت و راستی و خوشباوری های تان باعث شده تا اجبران اعراب روی منافع خاص خود از من و شما استفاده نموده و زنجیر های اسارت را محکم تر نگهدارند تا آنها و باداران عربی شان در بهترین نعمت های زندگی حیات به سر برده از سر مایه حیاتی من و تو در این دنیا برای خود بهشت برین بسازند و من و

تو به فکر بهشت خیالی که در آن جوی شیر و عسل روان است و حور و غلمان در انتظار است باید آنقدر استثمر اقتصادی و فرهنگی شویم تا به این امید زیر خاک برویم .

فکر میکنم دیگر به نفع اجانب و بیگانه پرستان قربان شدن بس است. بیائید به خود آنیم کمی فقط کمی تعقل کنیم . که اولاً باید چرا باید دینی باشد؟ مگر وقتی که من میمیرم جوابگوی عملکرد های من جز خودم کسی دیگری میتواند باشد؟ با این باور های دینی که دارید، اگر جز خود ما کسی دیگر نیست پس این همه ملا و واعظ و جیره خواران ارتجاع و استعمار بین المللی که در کار و زندگی روزانه ما تشبث میدارند، چرا به آنها موقع دهیم؟ اگر کس دیگری مسؤول عملکرد های ما است باید واضح و روشن طرح بدارند تا ما هر چه دل ما خواست انجام دهیم چون مسؤولیتی در قبال آن عمل نداریم . این مسلمان ها و این اسلام زده ها و عرب پسند ها در مقابل سؤالاتی مثل چرا دین دار باید بود؟ چرا مسلمان باید بود؟ چرا صبر باید کرد؟ چرا و چرا ها جوابی ندارند؟

هموطن! دینی که برای قبولاندن احکام، خدایش بر بندگان به قسم نیاز دارد و خدای اسلام باید به زیتون و قلم و زجه کشیدن اسپ ها در جنگ و غیره و غیره قسم بخورد تا بندگان حرف او را تأیید کنند، بدانید که قابل پرستش نیست و اگر بنا باشد از خدا و یا موجودی تبعیت کنیم باید او عاجز نباشد، بیچاره نباشد عجز و زاری نکند، در گفتار خود اشتباه نکند. به یقین بدانید چنین موجودی نیست که او را پرستش کرد. فقط فکر و اخلاق انسانی، درک علت های مشکلات زندگی و راه بیرون رفت از این مشکلات، بسیج شدن، تشکل و ضد بی عدالتی ها قیام نمودن، یگانه راه به وجود آوردن عدالت اجتماعی، نه این همه ادیان و نماینده های غیر رسمی آنان است نه چیز دیگری.

ای ملت، ای توده ها به پا خیزید و ضد این همه بی عدالتی های اجتماعی قیام انسانی و عادلانه نمائید تا هر چه خرافات است از بین رفته و عقل و فراست انسانی رهبرد داشته باشد نه افسانه های شیطان و فرشته.

و در اخیر خیلی ها هم دوستانه از تمام دست اندرکاران اسلامی، آنانی که مراکز پژوهشی و تحقیقاتی در اسلام دارند . آنانی که دیپلوم الازهر را دارا میباشند و هم صد ها اسلام شناس و دین شناس که تا حال زهر دین و مذهب را به انسانهای شریف و ساده دل ما به انواع مختلف تزریق نموده اند صمیمانه و انسانی توقع و آرزو دارم تا درین بحث شرکت نموده و دلایل انسانی یا غیر انسانی و یا هر چه باشد مطرح نمایند تا باشد از لا بلای این صحبت ها هموطنان ما به اصل و کنه مطالب پی برده و راه خود را در امور زندگی تشخیص عاقلانه دهند. از همه دست اندر کاران اسلامی دعوت میکنم که ذره نوازی نموده و با انتشار افکار دینی و مذهبی خود روشنگر ذهن هموطنان زجر دیده اسلامی و فرهنگی باشند. از اشتراک و صحبت های بی پرده آنها و هم از آنانی که ازین نمد کلاهی دارند قبلاً اظهار امتنان.